

## جامع علم و عمل موسیقی



ولی اله کاوسی

کمال الدین ابوالفضایل عبدالقادر بن غیبی الحافظ مراغی (۷۵۴-۸۳۸ ق) معروف به گوینده و شاعر و خوش نویس و خواننده و نوازنده عود، و از سرشناس‌ترین موسیقی دانان ایران در نیمه دوم سده هشتم و آغاز سده نهم هجری است. پدرش، غیبی، از فضلا و موسیقی دانان سده هشتم هجری بود و به گفته عبدالقادر در اغلب علوم خاصه در موسیقی تبحر داشت و در تربیت فرزند بسیار کوشید. عبدالقادر در اوایل عمر به تحصیل صرف و نحو و معانی و بیان همت گماشت و قرآن را حفظ کرد و چون به علم ریاضی و فن موسیقی بیش از دیگر علوم توجه داشت، به مطالعه کتاب‌های این رشته پرداخت و با علم و اطلاع به نواختن ساز پرداخت و در استنباط اوزان و استخراج الحان و تألیف نقرات<sup>۱</sup> و اختراع نغمات و ساختن تصنیف مهارت یافت و پراوازه‌ترین موسیقی دان و موسیقی شناس عصر خود گردید.<sup>۲</sup>

این هنرمند در جوانی به بغداد رفت و در دستگاه دو تن از فرمانروایان آل جلاویه، یعنی سلطان حسین و سلطان احمد جلاویه منزلتی تمام یافت. هنگامی که تیمور گورکانی در رمضان سال ۷۹۵ ق شهر بغداد را فتح کرد، سلطان احمد به دمشق گریخت و گروهی از هنرمندان دربار او که خواجه عبدالقادر هم در میان ایشان بود، به سمرقند، پایتخت تیمور، فرستاده شدند.

چندی نگذشت که عبدالقادر ملازم همیشگی مجالس عیش تیمور شد<sup>۳</sup> و ساز و آواز خوشش علاقه فرمانروای گورکانی را چنان برانگیخت که در نامه‌ای وی را «مولانا اعظم، قدوه الفصحافی العالم، اوجد زمان، نادره جهان» خواند و نکو داشت او را بر «سلاطین روزگار و خواقین رفیع مقدار» واجب شمرد.<sup>۴</sup>

گفته‌اند زمانی که تیمور به سببی بر خواجه عبدالقادر خشم گرفته و فرمان به قتل او داده بود، خواجه در حال تلاوت قرآن نزد وی شتافت. تیمور نیز با شنیدن صوت دلکش قرآن خواندن عبدالقادر، از گناه او درگذشت و او را مورد عنایت بسیار قرار داد.<sup>۵</sup> عبدالقادر پس از مرگ تیمور مدتی در دربار شاهزاده خلیل سلطان که وارث امیر تیمور در سمرقند بود، به سر برد و سپس به دربار شاهرخ روی آورد. وی در این زمان نیز از هنرمندان بزرگ زمان بود که در علم و عمل موسیقی توانایی ویژه‌ای داشت؛ به مبحث ریتم و وزن کاملاً آگاه بود و به نواختن عود و ساختن آهنگ و تصنیف می‌پرداخت.

«مراغی یکی از تأثیرگذارترین افراد در سیر تکوین و اشاعه مبانی نظری و عملی مکتب «منتظمیه»<sup>۶</sup> در این دوران در بخش‌های شرقی ایران محسوب می‌گردد. وی علاوه بر تألیف مهم‌ترین رسالات نظری دوران، همچنین به تربیت شاگردانی برجسته همچون خواجه یوسف برهان همت گماشت. در این دوران به دلیل تمرکز فعالیت‌های موسیقی کلاسیک در سمرقند و هرات، هنرجویانی از نواحی مختلف در این مراکز آموزش می‌دیدند. به عنوان مثال چنان که سر یووارا نقل می‌کند موسیقی دانان کشمیری همچون «سُجیا» و نیز «حیدر شاه»، پسر سلطان زین العابدین، نزد خواجه عبدالقادر به آموختن موسیقی و نواختن عود پرداخته بودند. عبدالقادر مراغی آثار برجسته خود را در زمینه موسیقی، در دربار جانشینان تیمور، خلیل و شاهرخ، در بخش‌های شرقی ایران نگاشت. در واقع وی را می‌توان هم به عنوان نخستین نظریه پرداز برجسته تیموری، و نیز یکی از برجسته‌ترین مصنفان و موسیقیدانان روزگار خویش، و هم به عنوان کسی که بیشترین نقش را در تعیین و تبیین هنجارهای موسیقی هنری دوران تیموریان در مراحل آغازین داشته است، محسوب نمود.»<sup>۷</sup>

این موسیقی دان بزرگ بر شعر نیز چیرگی داشت و گاه گاهی بر حسب موقعیت به سرودن اشعاری می‌پرداخت و آن‌ها را در آهنگ‌های خود به کار می‌برد. از آن جمله هنگامی که خبر کشته شدن سلطان احمد جلاویه در سال ۸۱۳ ق به شهر

هرات رسید، شاهرخ به عبدالقادر که سال‌های متمادی در خدمت و مصاحبت سلطان احمد بود، روی کرد و پرسید که آیا در سوگ دوست و هم صحبت و مخدوم دیرین خود چیزی سروده‌ای؟ خواجه عبدالقادر هم این رباعی را با آهنگی که خود ساخته بود در آمیخت و در حضور شاهرخ عرضه کرد:

عبدالقادر ز دیده هر دم خون ریز / با دور سپهر نیستت جای ستیز  
کان مهر سپهر خسروی را ناگاه / تاریخ وفات گشت «قصید تبریز»<sup>۸</sup>

«قصید تبریز» ماده تاریخ درگذشت سلطان احمد (سال ۸۱۳ ق) است.

این هنرمندی بدلیل سرانجام در سال ۸۳۸ بر اثر طاعون دهشتناکی که در شهر هرات شیوع یافته بود و جمع کثیری از مردم را به کام مرگ فرستاد، درگذشت. صاحب تاریخ «مُجمل فصیحی» در وقایع سال ۸۳۸ آورده است: «وفات افتخار الفضلا والنما خواجه کمال الدین عبدالقادر الغیبی البغدادی المعروف به خواجه عبدالقادر گوینده و او صاحب غناء و الحان بود و در انواع فضایل و کمالات ذوفنون بود و قاری بی نظیر بود و شعر خوب گفتی و خط نیک نوشتی و در علم موسیقی سرآمده ادوار بود.»<sup>۹</sup>

## آثار عبدالقادر

عبدالقادر در طول حیات پر ثمر خود سه اثر عظیم در باب موسیقی نظری به رشته تحریر درآورد که عبارت اند از: «جامع الالحان»، «مقاصد الالحان» و «کنز الالحان».

۱. «جامع الالحان» به طوری که از اسمش برمی‌آید، در بر دارنده کلیه قواعد موسیقی است و در حقیقت مهم‌ترین اثر فارسی عبدالقادر به شمار می‌رود. این کتاب شامل دیباچه و دوازده بخش و پی گفتار است و دیباچه و پی گفتار و هر یک از بخش‌ها دارای چند فصل است. فصل دوم پی گفتار چهل و پنج مجلس در موضوعات گوناگون دارد که در هر مجلس اشعاری با موضوع آن مجلس در مایه‌های موسیقی ذکر گردیده است. این اشعار بیشتر به زبان فارسی و عربی و ترکی و گاه به لهجه بومی است و بیشتر نام گویندگان شعرها ذکر گردیده که می‌توان از آن‌ها بدین گونه نام برد: انوری، فردوسی، نظامی، مُجیر بیلقانی سراج قمری، قطب الدین شیرازی، کمال اسمعیل و حافظ.<sup>۱۰</sup>

۲. «مقاصد الالحان» که در واقع خلاصه «جامع الالحان» محسوب می‌شود، در بردارنده نام تصنیف‌ها و آهنگ‌های خود هنرمند است. چند صفحه آخر نسخه «مقاصد الالحان» موجود در کتابخانه آستان قدس مشهد که به خط زیبای خود مؤلف نگاشته شده، پراز اشعار فارسی و ترکی عبدالقادر است که برخی از آن‌ها را برای آهنگ‌های موسیقی ساخته است. او در این کتاب ذیل عنوان «تأثیر شعر و موسیقی» چنین نوشته است:

«از من آهنگی برای ایام ماه رمضان خواستند، قبول کردم و خواجه رضوان شاه تبریزی گفت مجال است. پس از دریافت تأییدیه شیخ الاسلام تصمیم گرفتم برای هر روز ماه رمضان آهنگی خاص بسازم. شعر عربی را جلال الدین عبیدی و شعر فارسی را خواجه سلمان ساوجی می‌گفت و در سی روز عرضه مجموع را اعاده کردم بلازاید و نقصان چون در چهار شکل تریب است. نوبت<sup>۱۱</sup> را پنج قطعه ساختم. قطعه خامس را مستزاد نامیدم. در قطعه شرط چنان کردم هر چه از منابع در چهار قطعه بیشتر بوده باشد، در مستزاد مندرج باشد. خواجه رضوان شاه صد هزار دینار زر و دختر خود را به نکاح شرعی به خانه من فرستاد.»<sup>۱۲</sup>

عبدالقادر در سال ۸۲۶ از سمرقند به آسیای صغیر رفت و کتاب «مقاصد الالحان» خود را به سلطان مراد دوم، پادشاه عثمانی، تقدیم کرد.<sup>۱۳</sup>

۳. «کنز الالحان» یکی دیگر از آثار عبدالقادر است که مجموعه آهنگ‌های موسیقی و نمونه کامل ساخته‌های او به شمار می‌رود. اما متأسفانه نسخه‌ای از این کتاب ارزشمند در دست نیست و اگر می‌بود، به طور قطع به حل بسیاری از مشکلات و مسائل موسیقی ایرانی کمک می‌کرد و یا لاقلاً به وسیله آن، خط و ضابطه

وسیع اسلام قابل نشر و استفاده باشد، کتاب‌های خود را به زبان عربی می‌نوشتند و بعضی مثل مؤلف «مرزبان نامه» فارسی را نسبت به عربی لغت یا زبان نازل می‌دانستند. بنابراین برای عبدالقادر که بیشتر کتاب‌های خود را به زبان فارسی نوشته است، باید فضیلت بیشتری قابل شد.<sup>۱۶</sup>

از نکات شایان توجه کتاب‌های عبدالقادر اسم آوازه‌ها و مقامات ایرانی است که تعدادی از آن‌ها هنوز به صورت گوشه در ردیف‌های موسیقی ایرانی به جای مانده است. همچنین دسته بندی سازها به بادی و ضربی و سیمی یا زهی به همراه شرح ساختمان و چگونگی کوک کردن آن‌ها و فهرست اسامی موسیقی دانان قدیم و جد اول متعدد و مفصل این کتاب‌ها که مستلزم محاسبات پیچیده و طولانی است، اعجاب و تحسین هر خواننده‌ای را برمی‌انگیزد.<sup>۱۷</sup>

عبدالقادر مراغه‌ای پس از ابونصر فارابی و صفی الدین ارموی، آخرین موسیقی دان بزرگ و وارث موسیقی کلاسیک ایران به شمار می‌رود.

یادداشت‌ها:

۱. جمع نقره: وزن، ریتم، ضرب
  ۲. مشحون، حسن، «تاریخ موسیقی ایران» صص ۱۹۹-۲۰۰ و ۲۱۹
  ۳. برای آگاهی بیشتر ن.ک به: کاوسی، ولی اله، «چگونگی ارتباط تیمور با هنر و هنرمندان»، در «گلستان هنر»، شماره ۳، بهار ۱۳۸۵، صص ۳۵-۳۶
  ۴. اسعدی، هومان، «حیات موسیقایی در دوران تیموریان: از سمرقند تا هرات»، ص ۲۷
  ۵. برای آگاهی بیشتر ن.ک به: کاوسی و همان، ص ۳۷
  ۶. مکتبی در تاریخ موسیقی جهان اسلام که در قرن هفتم هجری قمری بر مبنای نظریات منسوب به صفی الدین ارموی شکل گرفت. (اسعدی، همان)
  ۷. اسعدی، صص ۲۸-۲۹
  ۸. حافظ ابرو، «زبده التواریخ»، ج ۳، صص ۴۰۲-۴۰۳
  ۹. خوافی، فصیح، «مجمعل فصیحی»، ص ۲۷۵
  ۱۰. راهگانی، روح انگیز، «تاریخ موسیقی ایران»، ص ۲۹۲
  ۱۱. جمع نوبت
  ۱۲. همان، ص ۲۹۱
  ۱۳. همان
  ۱۴. بینش، تقی، مقدمه «جامع الالحن»، ص سیزده
  ۱۵. همان
  ۱۶. همان، صص ۱۳-۱۵
  ۱۷. همان
- اسعدی، هومان، «حیات موسیقایی در دوران تیموریان: از سمرقند تا هرات»، در «ماهور»، ش ۱۴، زمستان ۱۳۸۰
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف اله، «زبده التواریخ»، مقدمه، تصحیح و تعلیق از سیدکمال حاج سیدجوادی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، ج ۳
- خوافی، فصیح احمد بن جلال الدین محمد، «مجمعل فصیحی»، تصحیح و تحشیه محمود فرخ، مشهد، کتابفروشی باستان، ۱۳۳۹
- راهگانی، روح انگیز، «تاریخ موسیقی ایران»، تهران، پارت، ۱۳۷۵
- کاوسی، ولی اله، «چگونگی ارتباط تیمور با هنر و هنرمندان»، در «گلستان هنر»، ش ۳، بهار ۱۳۸۵
- مراغه‌ای، عبدالقادر، «جامع الالحن»، به اهتمام تقی بینش، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶
- مشحون، حسن، «تاریخ موسیقی ایران»، تهران، فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۰.

مخصوصی که عبدالقادر

برای ثبت و ضبط آهنگ‌های

موسیقی ایرانی اختراع و یا اختیار

کرده بود به دست می‌آمد. از سوی دیگر،

این کتاب را می‌توان مکمل دو کتاب دیگر

عبدالقادر دانست زیرا در «جامع الالحن» و

«مقاصد الالحن» مکرر از آن یاد می‌کند و خوانندگان

را برای کسب آگاهی بیشتر به «کنز الالحن» ارجاع می‌دهد.<sup>۱۴</sup>

آثار دیگر این هنرمند عبارت اند از: «شرح الادوار» یا «زبده الادوار فی شرح الادوار» در تفسیر کتاب «الادوار» تألیف صفی الدین ارموی، که بعضی نسخه‌های آن رساله‌ای به نام «زوائد الفوائد» را نیز به ضمیمه دارد؛ ترجمه ترکی «الادوار» ارموی به اسم «روح پرور»؛ رساله‌ای با نام «ساز چینی» یا «موسیقی چینی»؛ و بالاخره «فوائد عشره و لحنیه» که منسوب به عبدالقادر است.<sup>۱۵</sup>

مرحوم تقی بینش در مقدمه کتاب «جامع الالحن» درباره ارزش آثار عبدالقادر به نکات قابل توجهی اشاره می‌کند؛ از جمله اینکه «عبدالقادر برخلاف اکثر دانشمندان قدیم، ذی فن و به اصطلاح متخصص بوده است، نه ذوالفنون». بنابراین عبدالقادر از جمله افراد معدود و نادری است که بر خلاف معاصرانش که هر یک در رشته‌های مختلف صاحب نظر و تألیفات متعدد بودند، استعداد و نیروی خود را بیشتر در موسیقی صرف کرده و فقط درباره موسیقی کتاب نوشته است. نکته دیگر اینکه عبدالقادر علم و عمل را در موسیقی مکمل و لازم و ملزوم یکدیگر می‌دانست و معتقد بود که اگر کسی مانند ابوعلی سینا تنها در موسیقی نظری صاحب نظر و از موسیقی عملی بی‌بهره باشد، در این رشته کامل نخواهد بود.

مطلب سوم اینکه در آن روزگار عربی زبان دین و سیاست و به تعبیری زبان رسمی و علمی بود و اغلب فضلا و دانشمندان برای اینکه آثارشان در سراسر قلمرو